

پوتین، مردی برای تمام فصول

ترجمه علی شیخان

■ ولادیمیر پوتین، مامور سابق ک.د.ب و رییس اطلاعات داخلی، ترقی در سیاست را از سال ۱۹۹۹، زمانی که نخست‌وزیر بوریس یلتسین بود، آغاز کرد، در حالی که به خاطر داشتن مشکلات الکی‌اش معروف شده بود. در آن زمان کشور درگیر موج حملات چپن‌های مستقل بود در نتیجه نخست‌وزیر جدید وارد مبارزهای می‌شود که برای او محبوبیتی پایدار می‌آورد و اقتدارش نزد افکار عمومی روسیه زبازد می‌شود.

او با اجرای چند عملیات در سپتامبر ۱۹۹۹ وعده می‌دهد که «حتی در مستراح هم دخل ترور یست‌ها می‌آوریم.» در عرض هشت‌ماه این جمهوری جدایی‌طلب کوچک، بمباران‌های سنگینی را متحمل می‌شود. به گزارش نهادهای مردمی، حملات ارتش روسیه ده‌ها هزار کشته بر جای گذاشت. دولت‌های خارجی و مدافعان حقوق بشری، این خشونت‌ها را محکوم کردند اما پوتین گوش شنوایی نداشت و به عملیات خود ادامه می‌داد. تا اینکه در فوریه ۲۰۰۰، گروزی، پایتخت چچن سقوط کرد اما پیروزی روسیه آرامش مورد انتظار را در قفقاز حاکم نکرد و پارتیزان‌های اسلام‌گرا در منطقه عرصه را به دست گرفتند.

مدیریت بحران‌های فجیع

در این بین بوریس یلتسین از قدرت کنار رفت. او پس از دوران کوتاهی که به‌طور موقت به مقام ریاست‌جمهوری رسید، در اولین دور انتخابات ریاست‌جمهوری، مارس ۲۰۰۰ با ۵۲/۲۵ آرا به این مقام برگزیده شد. هنوز کاملاً مستقر نشده بود که گرفتار فاجعه انفجار زیردریایی روسی کورسک در اثر اصابت یک اژدر شد. در حالی که خدمه زیردریایی در حال غرق شدن بودند، رییس‌جمهور روسیه تعطیلاتش را رها نکرد و چهار روز صبر کرد تا در نهایت پذیرای کمک‌های بین‌المللی شد. هیچ کس از این حادثه جان سالم به در نبرد. او در پاسخ به سوال شبکه سی‌ان‌ان در مورد دلایل این حادثه خیلی کوتاه جواب داد: «زیردریایی دچار نشتی شده بود.»

نخوه اداره بحران‌ها توسط رییس‌جمهور روسیه چندین‌بار به فاجعه منتهی شد. در اکتبر ۲۰۰۲، ۸۵۰ نفر در یکی از سالن‌های تئاتر مسکو توسط کماندوهای چچنی به گروگان گرفته شدند. نیروهای ویژه به قصد از کار انداختن رابیندگان با استفاده از گاز حمله کردند، اما راباندگان ۱۳۰گروگان را کشتند و امدادگران موفق به دخالت نشدند. همین حرکت در سال ۲۰۰۴ هم تکرار شد. یک گروه کماندوی هوادار چچن‌ها یک‌هزار نفر را در مدرسه‌ای در قفقاز به گروگان گرفتند. سه‌روز بعد نیروهای روسی حمله می‌کنند و در جریان این حمله ۳۳۲ گروگان از جمله ۱۸۶ کودک کشته می‌شوند.

بستن دهان مخالفان

ولادیمیر پوتین از قدرت خود در زمان ریاست‌جمهوری برای تضعیف مخالفان و خاموش کردن رسانه‌ها استفاده کرد. شاخص‌ترین نمونه مربوط می‌شد به شبکه خصوصی ان‌تی‌وی متعلق به ولادیمیر گوسنسکی میلیارداست. در ۲۰۰۰ نیروهای امنیتی به تفتیش دفاتر وی پرداختند در ماه ژوئن از مالک این دفاتر بازجویی شد، و در ماه ژانویه این کانال به کنترل گاز پرورم، شرکت عظیم گاز روسیه درآمد. تمام شبکه‌های تلویزیونی هم سرنوشتی مشابه پیدا کردند و دیگر هیچ انتقادی را نسبت به حکومت ابراز نمی‌کنند. اپوزیسیون دیگر هیچ جایی در رسانه‌ها ندارد. تظاهرات مخالفن ممنوع و به بازجویی از فعالان و رهبران آنها منجر شده است. از سال ۲۰۰۳ روسیه دیگر هیچ مخالف واقعی در پارلمان ندارد اما همه اینها مانع از این نمی‌شود که ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۷ بگوید: «بطور حتم، من یک دموکرات پاک و مطلق هستم (..) بعد از مرگ مهاتما گاندی، من دیگر کسی را نمی‌شناسم که با او صحبت کنم»

«انسان الهی»

ولادیمیر پوتین مجبور بود تابع قانون اساسی روسیه باشد که بیش از دو دوره متوالی را برای یک رییس‌جمهور ممنوع اعلام کرده است. بنابراین در سال ۲۰۰۸ این جایگاه را به دیمیتری مدودف واگذار کرد و خودش پست نخست‌توزیری را گرفت. البته منکر محبوبیت او نیز نمی‌توان شد. ولادیسلاو سورکوف، یکی از مشاوران نزدیک به حکومت روسیه تا آنجا پیش می‌رود که پوتین را انسانی الهی توصیف می‌کند «که خداوند و سرنوشت او را در زمانی سخت برای روسیه فرستاده‌اند» البته نخست‌وزیر هم

هیچ تردیدی در ظاهر شدن در انظار عمومی به خود راه نمی‌دهد: چه زمانی که با موتوسکیلتی قوی به صحنه می‌آید، چه در زمان اجرای ورزش جودو، زمانی که نیمه‌برهنه اسب‌سواری می‌کند یا هنگامی که در کنسرتی خبریه در سن پترزبورگ پیانوی زند.

این حضور همه جایی و محبوبیت گسترده از ولادیمیر پوتین، انسانی واقعی و قدرتمند برای کشور ساخته است، بنابراین جای هیچ شگفتی نیست که برای سومین بار از نامزدی خود در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۲ خبر دهد.

منبع:فیگارو



عکس:Getty images

نقش رقابت هند و پاکستان در ترور برهان‌الدین ربانی

قربانی صلح

است اما اگر با رهبری این گروه تماس بگیریم و رهبری طالبان به این کار تشویق شود، رده‌های پایین و جنگجویان از رهبری‌شان اطاعت خواهند کرد و در این صورت پروسه صلح موثرتر و سریع‌تر تحقق خواهد یافت.

همیشه این سوال در رسانه‌ها مطرح می‌شد که شورای‌عالی صلح که بیش از یکسال از تانسیس آن می‌گذرد، چه کاری در جهت صلح انجام داده است؟ از زمان تشکیل این شورا به جای اینکه نامنی‌ها کاهش یافته باشد، مردم شاهد گسترش ناامنی و جنگ هستند.

در این اواخر استاد شهید حملات لفظی تندی به طالبان داشت و آنها را به عنوان گروهی که ارزش‌های دینی اهمیتی برایشان ندارد و حتی از اطفال نیز در راه مقاصدشان مانند حملات انتحاری استفاده می‌کنند، مورد انتقاد شدید قرار داد. بیان چنین موضع تندی از جانب کسی که در مقام رییس شورای‌عالی صلح، باید روی برنامه صلح با طالبان کار کند، نشان از دل‌سردی او از موضوع جنگ‌طلبانه طالبان داشت که هیچ تمایلی به صلح نشان نمی‌دادند.

رابطه با هندوستان

در ماه می ۲۰۱۱ «من موهن سنگ»نخست‌وزیر هندوستان سفری به افغانستان داشت که بسیار با اهمیت تلقی شد. او در این سفر با استاد برهان‌الدین ربانی نیز ملاقات داشت و روز ۱۲ می در پارلمان افغانستان سخنرانی کرد.

نخست وزیر هند ضمن قدردانی از مهربانی و محبت مردم افغانستان، سخنرانی‌اش را در پارلمان افغانستان افتخار بزرگی دانست که نصیب هر رهبر خارجی نمی‌شود. به راستی هم که چنین استقبالی از یک رهبر خارجی در افغانستان کمتر سابقه دارد زیرا- سخنرانی در پارلمان به معنی داشتن رابطه‌ای نهایت نزدیک میان دو کشور است و با توجه به حساسیت پاکستان در این رابطه، این کار به معنی بی‌اهمیت‌شمردن حساسیت پاکستان از رابطه نزدیک میان افغانستان و هند تلقی شد چیزی که پاکستان همیشه روی آن تأکید دارد.

شاید کسانی که در دولت افغانستان از اجازه دادن به مذاکره با طالبان ار سمت و سود دهد و طالبان از همان آغاز با صدور اعلامیه‌ای، این شورا را یک نهاد آمریکایی دانستند که از جانب پنتاگون حمایت مالی می‌شود و کسانی که خود به صلح باور ندارند، در آن تجمع کرده‌اند. طالبان بارها ثابت کرده‌اند که در سرسختی و یاقشاری بر مواضع‌شان همان‌ندارند اما با وجود چنین تجربه و شناختی از آنان، عده‌ای در شورای‌عالی صلح به این باور بودند که می‌توان با رهبری طالبان تماس گرفت. اعضای این گروه بر این باور بودند که پروسه کشاندن افراد رده‌های پایین طالبان زمان‌گیر

پاکستانی‌ها هرچند در ظاهر ناراحتی خود را از این اقدام دولت افغانستان ظاهر نکردند اما با توجه به رابطه خوب میان دولت استاد ربانی و هند در دوران زمامداری استاد، به این نتیجه رسیدند که چنین کاری با مشورت شخصیت‌هایی از جبهه متحد در درون دولت افغانستان صورت گرفته است. خشم حلقه‌های خاص پاکستان متوجه همین عناصر شد. نخست‌وزیر هند از روند مصالحه حکومت افغانستان پشتیبانی کرد و گفت که این‌به شما نماینده‌های ملت از تباط دارد که آینده کشورتان را بدون مداخلات خارجی رقم زنید و تصمیم بگیرید. این حق شما به عنوان کشور مستقل است و هند به هر انتخاب و تصمیم شما احترام می‌گذارد. این سخن‌وی را می‌توان اشاره به پاکستان دانست که مدعی است برنامه صلح در افغانستان بدون همکاری پاکستان تحقق نخواهد یافت. نخست‌وزیر هند در این سفر ابراز تمایل کرد تا هندوستان و افغانستان قرارداد استراتژیک با هم به امضا برسانند. روز چهارشنبه ۱۲جولای استاد برهان‌الدین ربانی در مقام رییس شورای‌عالی صلح سفری به هندوستان داشت. رسانه‌ها خبر این سفر را چنین گزارش دادند:

برهان‌الدین ربانی، رییس شورای‌عالی صلح افغانستان در رأس یک هیات ۱۷ نفری به هند سفر کرد تا با مقامات دهلی نو در مورد مذاکرات صلح افغانستان با مخالفان و طالبان گفت‌وگو کند. آقای ربانی جین رسیدن به دهلی نو در مورد

نقش هند و اهمیت آن کشور در صلح و ثبات منطقه‌ای صحبت کرد

قرار است آقای ربانی با من موهن سنگ، نخست‌وزیر هند و اسام کرشنا، وزیر خارجه آن کشور ملاقات کند. آقای ربانی در جریان سفر من موهن سنگ به کابل نیز با وی دیدار کرده بود.

نخست وزیر هند در جریان سفر خود در افغانستان به شورای ملی آن کشور گفت که از مذاکرات صلح در آن کشور حمایت می‌کند. رهبر هند در گذشته از تلاش‌های حکومت هند و پاکستان در زمینه مذاکرات نگران بود، اما در جریان بیانیه خود در کابل اظهار اطمینان کرد که مذاکرات افغانستان موفق خواهد شد.

هند و پاکستان به حیت دو رقیب عمده در منطقه تلاش دارند دامنه نفوذشان را در افغانستان با اعمال فشار سیاسی و همچنین راهاندازی برنامه‌های عمرانی توسعه دهند. در رسانه‌های پاکستانی در مورد سفر استاد به هند مطالبی به‌نشر رسید از جمله اینکه استاد ربانی در این سفر ابراز تمایل کرده بود تا از تجربه هند در مذاکرات با شورشیان کشمیری استفاده کند. بنابراین «سازمان اطلاعات پاکستان (آی اس آی)» استاد ربانی و همفکرانش را به عنوان عناصر خطرناک برای منافع پاکستان ارزیابی کرد که از تجارب

بازی یکی در میان پوتین – مدودف

ماری سیمون / ترجمه علی شیخان

هدایت حزب روسیه واحد و دولت آینده را به او «سپرد». البته پیش از تبادل صندلی‌ها، این دو مجبورند انتخابات مجلس در دسامبر ۲۰۱۱ و ریاست‌جمهوری در مارس ۲۰۱۲ را پشت سر بگذارند. اما تا آن زمان و موعد مراجعه به آرای مردم روسیه، ۱۱ هزار فعال حزب روسیه واحد آخر هفته گذشته گرد هم جمع شدند و از اعلام این خبر استقبال کردند که به نوعی تأیید این تصمیم بود تا ابراز شگفتی. به گفته الکسی مالانچکو، عضو یک مرکز آرزایی

گذشته و دشمنی با پاکستان درس نیاموخته‌اند. بنابراین استاد باید حذف می‌شد.

حربه‌ای که باید به کار گرفته می‌شد، همان برنامه صلح بود و باید تبلیغ صورت می‌گرفت که طالبان خواهان صلح‌اند و می‌خواهند با شورای‌عالی صلح مذاکره کنند. سخنان خاتم هما سلطانی مبنی بر اینکه ملامحمد عمر در منزل او بوده است را نیز می‌توان بخشی از همین ذهنیت‌سازی تلقی کرد. آقای معصوم استانکزی نیز به صورت خصوصی گفته بود که کسانی که می‌گویند طالبان خواهان مذاکره و صلح نیستند، به زودی در برابر حقایقی قرار خواهند گرفت که به آن باور نداشتند و مشکل جنگ در کشور حل خواهد شد. اما هدف تنها کشتن استاد نبود بلکه باید این کار در زمان مناسب انجام می‌گرفت. پاکستان بعد از واقعه حمله ۲۰ساخته به سفارت آمریکا در کابل، به شدت خشمگین بود و خود را تحقیر شده احساس می‌کرد. وقتی با حضور بیش از یکصد هزار سرباز خارجی، سفارت آمریکا در قلب شهر کابل مورد حمله قرار می‌گیرد، مردم در آمریکا حق دارند پرسند که ما در افغانستان به چه کاری مشغول هستیم؟

آمریکا پاکستان را به حمایت از گروه حقانی متهم کرد واز آن کشور خواست که علیه این گروه دست به اقدام بزند. لازم به تذکر است که طالبان گروه مستقلی به نام گروه حقانی را نمی‌شناسند اما به نظر می‌رسد که گروه حقانی رمزی میان آمریکا و پاکستان است و منظور طالبانی است که مستقیماً تحت امرای اس آی فعالیت می‌کنند.

انتخاب زمان ترور

این فشارهای بی‌سابقه از جانب آمریکا بر پاکستان در شرایطی به وجود آمد که حامد کرزای برای شرکت در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد به آمریکا رفت. قرار بود کرزای در حاشیه این اجلاس با مقامات آمریکایی و بعضی از شخصیت‌های کشورهای دیگر نیز ملاقات کند. این در شرایطی بود که مقامات آمریکا از خواست مقامات پاکستانی برای ملاقات با آنان خودداری کرده بودند. این ملاقات‌ها می‌توانست به معنی فشارهای بیشتر بر پاکستان باشد. بنابراین زمانی که باید استاد ربانی ترور می‌شد به دقت انتخاب شد و عجیب است که حتی از شخص رییس‌جمهور کرزای هم به شکل ناخوداگاه از جانب تروریست‌ها برای رسیدن به هدف استفاده شد. خبر رسید که پیام مهمی از شورای کویته رسیده است و رییس‌جمهور از آمریکا از استاد به وسیله تلفن می‌خواهد تا از سفر به امارات صرف‌نظر کرده به کابل برود و به این ترتیب این فاجعه اتفاق افتاد. شهادت استاد موجب شد تا رییس‌جمهور از شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و ملاقات‌های حاشیه‌ای دست بردارد و به کابل بازگردد. در نهایت سخنان رییس‌جمهور کرزای در جمع رهبران جهانی و بعضی از شخصیت‌های دیگر در مورد اینکه طالبان برنامه‌ای برای صلح ندارند و باید با پاکستان مذاکره شود، نمایانگر شکست تلاش‌های صلحی است که او به آن دل بسته بود.

فعال است، ویلاژ دارد با مطبوعات مستقلی چون نوبیا گازتا-مصابحه می‌کند و در مورد مدیریتش کردن کشور، اقتصاد و نهادهای اقتصادی به شکلی علنی سخنرانی می‌کند. به‌طوری‌که این سوال مطرح می‌شود که: آیا این دو مرد با هم تفاهم کامل دارند؟ آیا شاگرد در مارس ۲۰۱۲ استاد را به مبارزه فرا می‌خواند؟ آیا او در برابر کسی که بخشی از آزادی‌های روسیه را قربانی و مخالفان و مطبوعات مستقل را خفه کرده تا اقتصاد ملی را احیا و با فرقه سالاری (که روس‌ها عقاید متضادی در این مورد دارند) مبارزه کند و تروریست‌ها را از لانه‌های‌شان بیرون بکشد، مانع تراشی خواهد کرد؟

منبع:آکسپرس

مذاکره با اسرائیل؛ شاید وقتی دیگر

فردین صناعی

■ هفته گذشته محمود عباس رسماً از سازمان ملل تقاضای پذیرش و عضویت رسمی کشور فلسطینی در سرزمین‌های کرانه باختری، غزه و بیت‌المقدس شرقی را کرد؛ سرزمین‌هایی که از زمان جنگ ۱۹۶۷ تحت اشغال اسرائیل است. فلسطینی‌ها با درک این موضوع که ادامه مذاکره با اسرائیل نمی‌تواند برای آنها دستاوردی داشت باشد، تصمیم گرفتند تا درخواست استقلال کشور خود را به سازمان ملل ارایه دهند.

محمود عباس در یک چرخش آشکار دیپلماتیک تمرکز و فشار خود را متوجه ایلات متحده کرد، کشوری که همچون اسرائیل معتقد است که کشور آتی فلسطینی‌ها باید برآمده از ادامه مذاکرات مستقیم با اسرائیل باشد.

فلسطینی‌های می‌گویند که آنها نمی‌توانند به‌میز مذاکره بازگردند در حالی‌که اسرائیلی‌ها همچنان در حال توسعه شهرک‌هایشان در سرزمین‌های اشغال شده هستند. اقدامی که موجب می‌شود تا عملاً مذاکره برای «هیچ» باشد.

ناتناهاو در عوض می‌گوید فلسطینی‌ها در موضوع صلح جدی به نظر نمی‌آید و می‌افزاید که او برای ادامه مذاکرات صلح در هر زمانی آماده است.

نخست‌وزیر اسرائیل مخالف مبنا قرار دادن عدم توسعه شهرک‌سازی و به رسمیت شناختن مرزهای ۱۹۶۷ است و موضع جهانیان و تاکنون درخواست‌های فلسطینی‌ها را رد کرده است.

پس از آنکه فلسطینی‌ها درخواست خود را به سازمان ملل ارایه دادند، گروه چهارجانبه متشکل از سازمان ملل، اتحادیه اروپا، آمریکا و روسیه دوباره بعد از یک سال فعال و بی‌نتیجه‌ای صادر کرد.

اما بیانیه گروه چهار جانبی چیزی از دو درخواست فلسطینیان را در خود جای نداده بود. گرچه نکاتی از سخنرانی سازمان ملل، قطعنامه‌ها و اسناد را در خود داشت.

روز پنجشنبه عباس با مقامات فلسطینی و جنبش فتح دیدار و در خصوص اینکه در مرحله بعد چه باید کرد به رایزنی پرداخت.

یاسر عبد ربه، دبیر کمیته اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین بعد از این جلسه بیانیه گروه چهارجانبه را دلگرم‌کننده اما برای از سرگیری مذاکرات تاکافی خواند و گفت: فلسطینی‌ها خواستار ادامه مذاکرات هستند اما ابتدا اسرائیل باید به آنچه که در بیانیه گروه چهارجانبه آمده است به خصوص شناسایی مرزهای ۱۹۶۷ و توقف شهرک‌سازی گردن بنهد. عبد ربه همچنین تصریح کرد که فلسطینی‌ها همچنان پیگیر درخواست خود در سازمان ملل هستند.

هم اکنون ۱۵ عضو شورای امنیت در حال ارزیابی درخواست فلسطینی‌ها هستند و برای طرح شدن این مساله در شورای امنیت باید ۹ عضو از ۱۶ عضو، جانب فلسطینی‌ها را در این زمینه بگیرند. آمریکا با این حال بارها اعلام کرده است که برای مقابله با درخواست فلسطینی‌ها از وتوی خود استفاده می‌کند.

ریاض مالکی وزیر امورخارجه فلسطینی‌ها روز پنجشنبه در جمع خبرنگاران از کسب حمایت هشت کشور عضو شورای امنیت خبر داد و گفت که فلسطینی‌ها همچنان برای جلب حمایت اعضای بیشتری از جمله بوسنی و کلمبیا تلاش خواهند کرد. با وجود آشکار بودن این موضوع که آمریکا از وتو استفاده خواهد کرد، فلسطینی‌ها همچنان در تلاش هستند در حامیان بیشتری را در اردوگاه خود داشته باشند و میزان حمایت جهانی خود را به نمایش بگذارند. ریاض مالکی همچنین گفت: هند، روسیه، چین، برزیل، آفریقای جنوبی، نیجریه، لبنان و گابن اعضای هستند که به احتمال زیاد از موضوع کشور فلسطینی حمایت خواهند کرد.

مالکی گفت: چین و آفریقای جنوبی موضع حمایتی خود را به طور علنی اعلام کرده‌اند و مقامات ارشد کشورهای نیجریه و گابن که در ابتدا موضعی ابهام‌آمیز داشتند، اکنون نسبت‌به حمایت خود به‌ما اطمینان داده‌اند.

روز پنجشنبه همچنین حسن ابو لیبد، وزیر اقتصاد فلسطین گفت که اگر اشغالگری اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی‌ها پایان یابد و فلسطینی‌ها بتوانند کشور مستقل خود را داشته باشند، اقتصاد فلسطین دو برابر بزرگ‌تر خواهد شد و حتی دولت را از کمک‌های خارجی بی‌نیاز خواهد کرد.

وی افزود: فلسطینی‌ها بر اثر این اشغالگری سالانه حدود هفت میلیارد دلار یا تقریباً ۸۵ درصد از درآمد ناخالص ملی‌شان را از دست می‌دهند. ابو لیبد همچنین گفت: این هزینه همچنین شامل سالانه نزدیک به دومیلیارد دلار خسارتی است که از بابت محاصره غزه به فلسطینی‌ها وارد می‌شود. دولت فلسطینی‌ها اکنون سالانه دریافت‌کننده صدها میلیون دلار کمک خارجی است. بر اساس گزارش‌های جدید و صندوق بین‌المللی پول اعلام کرده بود که درآمد ناخالص فلسطینی‌ها می‌توانست ۸۸ درصد بیشتر باشد، حتی اگر مرزهای فلسطین با اسرائیل همچون سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۷ بازتر بود.

آسوشیتدپرس